



پس از شکل گیری رسمی سپاه و صدور احکام اعضای شورای فرماندهی، کشمکش‌ها پایان یافت و واحدهای شش‌گانه به طور رسمی فعالیت‌های خود را آغاز کردند. نخستین سازماندهی سپاه پاسداران زیر نظر شورای انقلاب با یک شورای فرماندهی و ۶ واحد آموزش، اطلاعات، تبلیغات، عملیات، تدارکات و هماهنگی مناطق شکل گرفت

ساله بنیانگذاران آن بود و واحدهای مزبور بلافاصله پس از اعلام رسمی تأسیس سپاه یک شبه پدید نیامدند، بلکه مدت‌ها طول کشید تا هر یک از واحدها تشکیل شده و نوع فعالیت‌شان مشخص شود.

سپاه در ماه‌های آغازین تأسیس خود، دوران گسترش و توسعه اولیه‌اش را گذراند. در تمام این مدت شاهد اعلام موجودیت تدریجی و پی‌درپی سپاه‌های شهرستان‌ها و استان‌های کشور بودیم. تلاش برای جذب امکانات لازم از قبیل ساختمان و ملزومات و نیز آغاز رسمی عضوپذیری و شناسایی و تعیین فرماندهان، مسئولان و اعضای شورای فرماندهی سپاه‌های تشکیل شده از جمله فعالیت‌های کادرهای اولیه سپاه در این دوره بود.

ارکان سپاه نیز عبارت بود از شورای فرماندهی و واحدهای سپاه که شامل واحد روابط عمومی و تبلیغات، دفتر امور استان‌ها، دفتر سیاسی، واحد اطلاعات و واحد حفاظت بود. پس از انسجام تشکیلات سپاه و آغاز فعالیت‌ها و مأموریت‌ها، بحث نشان سپاه در شورای فرماندهی به صورت جدی به میان آمد. در این زمینه آنچه در ذهن همه مؤسسان و دست‌اندرکاران سپاه مشترک بود، وجود یک روح نظامی و عقیدتی جهانشمول مطابق با پایه و اساس قرآنی در لباس سپاه بود. نشان مزبور همچنین می‌بایست نماد همبستگی، وحدت و قدرت اسلام باشد. به دنبال این بحث تعداد زیادی نشان از طرف افراد مختلف پیشنهاد شد و سرانجام همین نشان فعلی سپاه پس از اندک تغییراتی پذیرفته شد و به تصویب رسید. به نظر می‌رسد که در تهیه و طراحی نشان کنونی سپاه مهم‌ترین نقش را یوسف کلاه‌دوز برعهده داشته است. براساس گفته‌های محسن رفیق‌دوست طراح نشان کنونی سپاه، یوسف کلاه‌دوز بود که پس از پیشنهاد در شورای فرماندهی پذیرفته شد و بعدها در مجلس شورای اسلامی هم به تصویب رسید.

در ابتدای فعالیت سپاه برای این نهاد تازه تأسیس، لباس مشخصی در نظر گرفته نشده بود و بسیاری از افراد و اعضای سپاه از اونیفیرم‌های ارتش مشهور به «لباس پلنگی» استفاده می‌کردند و بسیاری هم همان لباس کار ارتش را می‌پوشیدند. به عبارتی هرکس به ذوق و سلیقه شخصی عمل می‌کرد تا اینکه این موضوع در دستور کار شورای فرماندهی قرار گرفت و پس از شور و مشورت فراوان، لباس فعلی سپاه انتخاب شد و به تصویب اعضا رسید. البته در ابتدا رنگ لباس سپاه زیتونی بود که بعدها کمی پررنگ‌تر شد و به شکل امروزی درآمد.

علی محمد بشارتی به سمت مسئول اطلاعات و تحقیقات، سیداسماعیل داوودی‌شمسی به سمت مسئول اداری و مالی، محسن رفیق‌دوست مسئول تدارکات و مرتضی‌الویری مسئول روابط عمومی منصوب شدند. البته الویری از شرکت در شورای فرماندهی سپاه به دلیل حضور فعال در سازمان مجاهدین انقلاب و کمیته مرکزی انقلاب امتناع کرد و یوسف فروتن را معرفی کرد. از این روز ابتدای تأسیس، آقای فروتن مسئول روابط عمومی و تبلیغات سپاه و عضو شورای فرماندهی بود.

■ اعلام موجودیت سپاه و بازتاب آن

پس از تعیین مسئولین، شورای فرماندهی سپاه درصدد برآمد با صدور بیانیه‌ای موجودیت خود را اعلام کند. دوزدو زانی در بیان خاطراتش گفته است که مسئولیت تهیه آن بیانیه به عهده او گذاشته شد و وی بیانیه مزبور را تدوین کرد.

در روز پنجم اردیبهشت ۱۳۵۸ شورای فرماندهی تازه تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اجرای اساسنامه‌ای را که در ۹ ماده و ۹ تبصره به کوشش عده‌ای از عناصر اصلی سپاه تهیه شده و به تصویب شورای انقلاب رسیده بود، آغاز کرد. در اساسنامه مزبور تصریح شده بود که «این سپاه به دستور رهبر انقلاب اسلامی تحت نظارت شورای انقلاب با توجه به نظریات و کمک دولت تشکیل شده است.» تدوین اساسنامه توسط چند نفر از جمله یوسف کلاه‌دوز به انتخاب مجمع ۱۲ نفره صورت گرفت.

چند روز پس از صدور اولین بیانیه، شورای انقلاب هم در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۸ به‌طور رسمی تشکیل سپاه پاسداران را اعلام کرد. در اطلاعیه‌ای که از سوی شورای مزبور در مطبوعات منتشر شد آمده که سپاه پاسداران زیر نظر شورای انقلاب فعالیت خواهد کرد.

پس از این اطلاعیه، تکلیف تمامی تشکلهای نظامی و سیاسی روشن شد و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی رسماً اعلام موجودیت و شروع به فعالیت کرد. بسیاری از اعضای تشکلهای و مجموعه‌های موازی نیز به عضویت سپاه جدید درآمدند. برخی نیز با گرفتن مسئولیت‌هایی در ادارات دیگر سپاه را ترک کردند. اعلام رسمی تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بین گروه‌ها و فعالان نظامی و سیاسی آن روز بازتاب متفاوتی داشت. افشار مختلف جامعه انقلاب‌کرده آن روز که بیش از هر چیز به امنیت و آرامش احتیاج داشتند، تشکیل سپاه پاسداران را برای برقراری نظم و امنیت در جامعه به فال نیک گرفته و تأسیس آن را پایانی بر نزاع‌ها و درگیری‌ها و تسویه حساب‌های گروه‌ها و سازمان‌ها با انقلاب اسلامی قلمداد کردند.

تشکیل یک نیروی مسلح انقلابی هوادار نظام امام مستقل از دولت موقت، در محافل انقلابی مذهبی و در سطح وسیعی از نیروهای فعال هوادار انقلاب در سراسر کشور بشدت مورد توجه قرار گرفت و چشم‌انداز آینده و معادلات قدرت را کاملاً به نفع نیروهای انقلابی تغییر داد.

خبرگزاری‌ها و رادیوهای خارجی نیز واکنش‌های متفاوتی در مقابل خبر اعلام تأسیس سپاه پاسداران نشان دادند. رادیو لندن گفت: «این نیروی جدید نقش بسیار خطیری را برعهده دارد.» در میان این واکنش‌ها به نظر می‌رسد خصمانه‌ترین واکنش مربوط به سازمان مجاهدین خلق و چریک‌های فدایی خلق بود، زیرا گروه‌های مزبور که عناصر اصلی سپاه (زندانیان سیاسی و گروه‌های فعال مخفی) را می‌شناختند، امید خود را برای به دست گرفتن رهبری انقلاب متزلزل می‌دیدند؛ بویژه منافقین که به علت درک بیشتر مسأله فوق و نیز چون خود را در خانواده‌های مذهبی بانفوذ می‌یافتند و از چپ غیرمذهبی امیدواری بیشتری داشتند، از این روش‌دیدترین دشمنی را با سپاه نشان دادند. البته شایان ذکر است که سازمان مجاهدین خلق در اولین روزهای اسفند ۱۳۵۷ با تأسیس سپاه پاسداران از سوی دولت موقت نیز بشدت مخالفت کرده و آن را مورد حمله قرار داده بود. مسعود رجوی در گردهمایی هواداران سازمان مجاهدین خلق در دانشگاه تهران، تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را با عنوان گارد ملی مورد حمله قرار داده و آن را با «حرس القومی» که در بعضی از کشورهای عربی برای شکار انقلابیون تشکیل شده است، مقایسه کرده بود. او با اعلام خطر نسبت به اینکه نظام ممکن است با اتکا به تشکیلات سپاه، گروه‌ها را خلع سلاح کند، به طور تلویحی نظام را به جنگ مسلحانه تهدید کرد.

■ سازماندهی سپاه پاسداران

پس از شکل گیری سپاه و رسمیت یافتن آن با تصویب شورای انقلاب و تأیید حضرت امام و صدور احکام اعضای شورای فرماندهی سپاه، به کشمکش‌های گذشته پایان داده شد و واحدهای شش‌گانه به‌طور رسمی فعالیت‌های خود را آغاز کردند. نخستین سازماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی زیر نظر شورای انقلاب با یک شورای فرماندهی و ۶ واحد آموزش، اطلاعات، تبلیغات، عملیات، تدارکات و هماهنگی مناطق شکل گرفت. از ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ به‌طور رسمی تشکیلات پراکنده نظامی به نام «سپاه» یکی شد و مهر، دفتر، آرم و سربرگ همه آنها هماهنگ شد و از روز ۱۹ اردیبهشت عضوگیری آغاز شد. همزمان با این اقدامات واحدهای هفتگانه سپاه نیز پس از انتخاب متصدیان، فعالیت‌های خود را آغاز کردند. البته باید اذعان کرد انسجام و شکل‌گیری واحدهای سپاه حاصل تلاش چند

■ تغییرات مدیریتی در سپاه

در نیمه دوم سال ۵۸ پس از استعفای دولت موقت و آغاز دولت شورای انقلاب، همچنین انتخاب بنی‌صدر به ریاست جمهوری و فرماندهی کل قوا، آثار و پیامدهایی برای جابه‌جایی مسئولان در سپاه به دنبال داشت. از طرف دیگر احکام اعضای شورای فرماندهی سپاه توسط شورای انقلاب برای ۶ ماه بود که در آبان‌ماه ۵۸ می‌بایست در مورد شورای فرماندهی با توجه به تصویب قانون اساسی و تعیین فرمانده سپاه توسط حضرت امام (ره)، تصمیم اتخاذ می‌شد. همچنین اخبار و گزارش‌هایی در مورد بعضی از عملکردها و مواضع آقای لاهوتی، جابجایی او را از نمایندگی امام در سپاه ایجاب می‌کرد. اولین تغییر در مدیریت سپاه، استعفای آقای لاهوتی در آذرماه ۱۳۵۸ و انتصاب آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان نماینده و رابط شورای انقلاب در سپاه بود. در آن دوره جلسات شورای فرماندهی سپاه با حضور آیت‌الله خامنه‌ای برگزار شد. خلاصه گزارش‌ها و اطلاعات و عملکرد بخش‌های مختلف و مسائل واحدهای سپاه در استان‌ها و شهرستان‌ها برای بررسی و اظهارنظر به اطلاع ایشان رسید. با توجه به موقعیت و شرایط ایشان در واقع نماینده امام در سپاه هم بود.

پس از انتصاب بنی‌صدر به جانشینی فرماندهی کل قوا، استعفای فرمانده سپاه و آیت‌الله خامنه‌ای، دومین تغییر در مدیریت سپاه بود که تغییرات دیگری را به دنبال داشت. با انتصاب بنی‌صدر به فرماندهی کل قوا از سوی امام خمینی (ره)، تمام فعالیت‌های سپاه بویژه عزل و نصب‌های آن نیرو به دست بنی‌صدر افتاد و به دنبال آن مشکلات تازه‌ای برای سپاه پدید آمد. گویا برخی از نیروهای سپاه در همان برخوردهای اولیه با بنی‌صدر به هویت واقعی و درونی او بی‌برده و متوجه شده بودند که او کسی نیست که برای فردای سپاه در انقلاب دل بسوزاند. با توجه به ارتباطاتی که بنی‌صدر با برخی عوامل مختلف انقلاب داشت، عده‌ای معتقد بودند با چنین فردی نمی‌توان کار کرد. جواد منصوری، فرمانده وقت سپاه در مصاحبه‌ای گفته است که در اعتراض به فرماندهی بنی‌صدر و اینکه می‌دانست نمی‌تواند با بنی‌صدر و برنامه‌هایش کنار بیاید و تابع امر او باشد، از فرماندهی سپاه استعفا داد. البته حکم فرماندهی جواد منصوری ۶ ماهه بود و براساس قانون باید فرماندهی سپاه از طرف امام انتخاب می‌شد، اما به دلیل شرایط، این کار به تأخیر افتاد. همچنین حضرت آیت‌الله خامنه‌ای طبعاً باید مسئولیت‌های خود را در نیروهای مسلح به فرماندهی جدید تحویل و تفویض می‌کردند. از این رو در ۵ اسفند ۵۸، در نامه‌ای به شورای انقلاب، استعفای خود را اعلام کرد.

پس از استعفای جواد منصوری، با وجود مشکلات و جناح‌بندی‌های سیاسی و با وجود علاقه بنی‌صدر به فرماندهی ابوشریف، سکان هدایت سپاه به دست عباس دوزدو زانی افتاد. پس از این انتخاب و با توجه به پیشینه‌ای که فرماندهان سپاه از عباس دوزدو زانی در امر آموزش داشتند، انتصاب وی به فرماندهی سپاه را به فال نیک گرفته و با ارسال نامه‌ای به رئیس‌جمهور از حُسن انتخاب وی در امر فرماندهی سپاه سپاسگزاری کردند.

فرماندهی عباس دوزدو زانی مدت زیادی دوام نیاورد و بنی‌صدر که برای برکنار کردن وی در خفا از هیچ کوششی دریغ نمی‌کرد، سرانجام ابوشریف را بروی ترجیح داده و دوزدو زانی را از فرماندهی کنار گذاشت. به این ترتیب عباس آقازمانی (ابوشریف) به فرماندهی سپاه منصوب شد. ابوشریف هم سرانجام در ۲۷ خرداد ۵۹ با معرفی مرتضی رضایی به بنی‌صدر برای مسئولیت فرماندهی سپاه، موضوع استعفای خود را به رسانه‌ها اعلام کرد. مرتضی رضایی بیش از یک سال فرمانده سپاه بود و امام خمینی (ره) در بیستم شهریور ماه ۱۳۶۰، محسن رضایی را به فرماندهی سپاه برگزید و وی به مدت ۱۶ سال عهده‌دار این مسئولیت شد.

